

begegnen لغت روز Wort des Tages

written by مرتضی غلام نژاد | مارس 15, 2017

begegnen یک فعل می باشد

به طور اتفاقی با هم برخورد داشتن
حضور داشتن ، بودن ، موجود بودن ، وجود داشتن
روبرو شدن ، برخورد داشتن
رفتار کردن ، مقابله کردن

گذشته ساده : begegneten

گذشته کامل : sein begegnet

موقعیت اول :

هرگاه با کسی به صورت اتفاقی برخورد میکنیم ، به صورت اتفاقی کسی را در جایی می بینیم
Ich bin ihm erst kürzlich begegnet

من با او همین اواخر (به تازگی) برخورد داشته ام

او را به تازگی دیده ام

kürzlich همین اواخر ، به تازگی

Sie begegneten einander oft auf dem Weg zur Arbeit

آنها در مسیر رفتن به محل کار اغلب با یکدیگر برخورد میکنند.

اغلب یکدیگر را در مسیر رفتن به محل کارشان می بینند.

موقعیت دوم :

هرگاه با چیزی به صورت اتفاقی برخورد کنیم

Dieser Meinung kann man gelegentlich begegnen

با آن عقیده یا نظر آدم می تواند برخی اوقات به صورت اتفاقی برخورد کند.

موقعیت سوم :

هرگاه با کسی به صورت دوستانه ، با ادب ، مهربانانه و ... برخورد کنیم

Jemandem freundlich begegnen

با کسی مهربانانه برخورد کردن

Jemandem höflich begegnen

با کسی با ادبانه برخورد کردن

Jemandem mit Spott begegnen

با کسی با ریشخند برخورد کردن

Einer Gefahr mutig begegnen

با یک خطر دلیرانه برخورد کردن (رو به رو شدن)

نکته گرامری : فعل begegnen یک ذات Dativ ساز دارد این بدان معنی است که اسم جمله ما همیشه به حالت داتیو میرود.

برای مثال : Die Gefahr که اسم جمله ما است را همانطور که دیدید به حالت Dativ رفته و Die آن به Der تبدیل شده است ، و از آنجایی که می خواستیم به یک خطر اشاره کنیم (یعنی در حالت ناشناخته) از حرف تعریف آن استفاده کنیم بنابراین eine به einer تبدیل شده است.

Eine Gefahr -> Dative -> einer Gefahr

و mutig هم صفت جمله است که به معانی : دلیر ، شجاع ، دلیرانه ، پر دل و جزات ، نترس و بی باک می باشد.

Einer Behauptung mit Vorsicht begegnen

با یک فرضیه یا ادعا با احتیاط برخورد کردن

در این مثال نیر چنانچه توجه کرده باشید. Die Behauptung به حالت Dativ رفته است

Eine Behauptung -> Dativ -> Einer Behauptung

چند مثال دیگر :

Ich begegnete ihr zum ersten Mal auf meinem Weg nach Hause von der Bibliothek

من برای اولین بار با او در مسیرم از کتابخانه به سمت خانه ، برخورد کرده ام

Ich weiß gar nicht, wie ich diesen Anschuldigungen begegnen soll

من اصلا نمیدانم ، چگونه با اتهامات وارده (تهمت های وارده) می بایستی برخورد کنم

توضیحات کلی : همانطور که در تفکر فارسی ما می توانیم با اتفاقی با کسی یا چیزی به صورت های مختلف مثلا ، دوستانه ، صمیمی ، با ادب ، بی ادبانه و ... برخورد کنیم ، در زبان آلمانی نیز به همین صورت است ، اما در تفکر آلمانی ما (به چیزی صمیمی ، با ادب و ... یا به صورت اتفاقی برخورد میکنیم) که برای درک بهتر ترجمه ها من تفکر فارسی آنها را نوشته ام.

پس در تفکر آلمانی ما به کسی یا به چیزی به صورت اتفاقی برخورد میکنیم ، به همین دلیل است که اسم جمله به حالت Dativ می رود و در تفکر فارسی با چیزی به صورت اتفاقی برخورد میکنیم.

موفق باشید.